



شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۷-۵۲-۳
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۸۵۹۷۶
عنوان و نام پدیدآور: مشورت و هدایت / علی‌رضا رحیمیان .
مشخصات نشر: تهران: نشر بهشت، ۱۳۹۸ .
مشخصات ظاهری: ۱۷۷ ص.: مصور (بخشی رنگی): ۲۷/۵×۱۴/۵

س م
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۲ - ۱۷۷ .
موضوع: مشاوره -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Islam -- Religious aspects -- Counseling
موضوع: مشاوره -- جنبه‌های قرآنی
موضوع: Counseling -- Qur'anic teaching
موضوع: مشاوره -- احادیث
موضوع: Counseling -- Hadiths
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳
رده‌بندی کنگره: BP۲۲۰/۳م۵۱۳۹۸
سرشناسه: رحیمیان، علیرضا، ۱۳۲۵ -
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا



عنوان: مشورت و هدایت
تدوین: سعید رحیمیان
تهیه: مؤسسه مطالعات تعالی نسل (متن)
طرح جلد: محمد پیروزی مرام
صفحه‌آرایی: محمد روحانی
ناشر: نشر بهشت
تاریخ انتشار: چاپ اول، بهار ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

تلفن مؤسسه‌ی متن: ۰۲۲۲۲۶۱۵۰ - ۰۲۲۲۵۸۱۵۴

Email: info@mmtn.ir

مشورت و هدایت

فروشگاه تخصصی کتب دینی

جایگاه خرد جمعی در تربیت

علیرضا رحیمیان

فهرست

۶ سخن متن ♦

۸ مقدمه ♦

۱۲ بخش اول: طرح مسئله ♦

معلم، مسند حساس

تعلیم و تربیت، امره گریزناپذیر

أَيْنَ الْمَقَرِّ؟!

مشورت، راه برای جبران کاستی‌ها

۲۶ بخش دوم: مشورت در آیات و روایات ♦

مبادا غفلت کنیم!

وَأْمُرْهُمْ شُورَ بَيْنَهُمْ

مشورت: راه صلاح و هدایت

مشورت: مشارکت در عقل‌ها

مشورت: درمان تأثیر هوا و نفس

مشورت: امره بابرکت

مشورت: یک فرهنگ ایمان

مشورت: راه پرهیز از خودرایی نابجا و خودشیفتگی

مشورت: دوران‌دیشی و محکم‌کاری

هم‌فکری در امور علمی

۶۲ بخش سوم: مشورت در تربیت ♦

مشورت، کجا لازم‌تر است؟

رابطه‌ی تجربه و تخصص، با مشورت

مشورت، تدبیر، سپس تصمیم‌گیری

معدّریّت مشورت

اشاره‌ای به وجه فقهی مشورت در تربیت

نهاد «شورا»: یادگاری از بنیانگذاران «علوی»

هم‌افزایی و تربیت نیروی مدرسه، در سایه‌ی مشورت

♦ بخش چهارم: ظرف مناسب برای مشورت ۱۰۴

«مشورت لازم»، و «مشورت کامل»

شرایط و ضوابط مشورت

عقل و تجربه و تخصص

گنجینه‌ی تجارب

تدبیر و خداترسی

مسئله‌دانی

دلسوزی و خیرخواهی

سلامت روح

♦ پیوست ۱: مدارک تکمیلی ۱۲۸

توصیه به مشورت، فواید آن و...

مشورت و ایمنی از پشیمانی

مشورت، موقفت و یافتن راه صحیح

مشورت، قبل از تصمیم‌گیری

حق مشورت‌دهنده

مشورت در حوزه‌ی اوامر الهی؛ ممنوع!

با اینان مشورت مکن

مشورت با خداوند متعال!

مشورت، نوعی طلب خیر

مذمت استبداد به رأی

پرهیز از استغناء به رأی

اهمیت استفاده از تجربیات

برخی آفات فهم و تصمیم‌گیری

♦ پیوست ۲: منتخبی از بیانات علامه کرباسچیان رحمۃ الله علیه ۱۴۴

توصیه به همکاری و مشورت

حکم غیبت، در مشورت و خیرخواهی

عجب: آفت کار تربیتی - تأکید بر لزوم نصیحت‌پذیری

لزوم تذکر ایرادهای مدارس - لزوم پندپذیری دست‌اندرکاران

♦ پیوست ۳: تصویر استفتائات ۱۶۰

♦ منابع ۱۷۰

از بین عوامل متعدّدی که بر تربیت دانش‌آموزان در محیط مدرسه تأثیرگذار هستند، سهم مربّیان و خانواده‌ها قابل مقایسه با ذینفعان دیگر نیست و به همین دلیل، دانش‌افزایی معلمان و خانواده‌ها و افزایش توانمندی‌های آنان تأثیر مضاعفی بر توفیق اقدامات تربیتی در مدرسه خواهد داشت.

اگرچه خانواده در «خانه» و مربّیان در «مدرسه» استقرار یافته‌اند، اما دیوارهای حایل نتوانسته‌اند بین این دو قلمرو جدایی ایجاد کنند. نه تنها گفتگوها که حتی شیوه زندگی و نحوه تعامل پدر و مادر در خانه، در کلاس و مدرسه خود را به نحوی نشان می‌دهد و از سوی دیگر حتی باورهای یک معلّم در مورد عوامل توفیق یا ناکامی یک دانش‌آموز، در سلوک دانش‌آموز در محیط خانواده قابل ردگیری است.

تداخل دو قلمروی خانه و مدرسه ایجاب می‌کند که مربّیان و خانواده‌ها در کسب دانش تربیتی مورد نیاز، کاربست آن، به اشتراک گذاشتن، حفظ و حتی خلق دانش جدید، همراه و همگام با یکدیگر حرکت کنند.

دانش تربیتی ذاتاً دانشی ضمنی است. این دانش، گونه‌ای از اطلاعات قابل استفاده در محیط تربیتی است که مثکی بر تجربیات روزانه و مبتنی بر بازنمایشی‌های آگاهانه، به مرور از رویکردهای حسی در مواجهه با واقعیت‌ها به پایه‌ریزی قاعده‌ها، وضع مقرّرات و قول و قرارهای تعهدآور تبدیل می‌شود.

جلسات دانش‌افزایی خانواده‌ها و مربّیان، فرایندهای مؤثری هستند که می‌توانند با به بحث گذاشتن باورها، مهارت‌ها، تجربیات و خاطرات مشترک، دانش ضمنی موجود در دو محیط تربیتی و محیط فراگیرتر جامعه را به دانش آشکار ترجمه کنند.

در جریان همین گفتگوهای جلسات دانش‌افزایی است که بین عوامل مؤثر تربیتی

- ♦ در مورد استراتژی‌های تربیتی اتفاق نظر ایجاد می‌شود؛
- ♦ مبتنی بر اصول مورد توافق تصمیم‌های تربیتی گرفته می‌شود؛
- ♦ و با ادبیات مشترک و همفکری عوامل به صورت مؤثرتری «مسائل تربیتی» حل و رفع می‌شوند.

در سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش بر تشکیل این گونه جلسات تأکید شده است؛ در راه‌کار ۴-۱۵ بر دانش‌افزایی مستمر معلمان در حین خدمت، در راه‌کار ۴-۴ بر برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش برای خانواده‌ها و در مواضع متعدّد بر مشارکت خانواده در امر تربیت تأکید شده است.

مؤسسه مطالعات تعالی نسل (متن) مراتب تشکر خود را از مدرسی که محتواهای ارائه شده در جلسات دانش‌افزایی خانواده‌ها و مربیان خود را برای انتشار در اختیار مؤسسه قرار داده‌اند به جا می‌آورد و این نکته ضروری را یادآوری می‌کند که دانش تربیتی هر مدرسه، محصول شرایط خاص همان محیط است و قابل توصیه برای ارائه در سایر مراکز، بدون در نظر گرفتن عوامل متعدد تاریخی، درون مدرسه‌ای و محیط اجتماعی نمی‌باشد.

موضوع لزوم استفاده از خرد جمعی در امر تربیت، علی‌رغم اهمیت، در بسیاری از مدارس مغفول واقع شده است؛ اثرگذاری ارائه‌ی این بحث توسط آقای دکتر علیرضا رحیمیان در شورای معلمان چند مدرسه، مؤسسه‌ی متن را بر آن داشت که انتشار این اثر را در دستور کار خود قرار دهد. به جاست از ایشان به خاطر اعتماد به مؤسسه‌ی متن و از آقای سعید رحیمیان برای تدوین نهایی و افزودن مطالب تکمیلی تشکر نماییم و آرزو کنیم که مدارس، با اهتمام جمعی به امر «تربیت» از مسیر «مشورت»، توانمندتر از گذشته راهشان را دنبال کنند.

مؤسسه مطالعات تعالی



الإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهِدَايَةِ^۱

۱. عجیب این است که در میان مسلمانان و مؤمنان، اهتمام به ادای وظایف مورد رضای حق متعال، در پاره‌ای از موارد، متناسب با اهتمام شارع مقدس و تأکیدات دستورات دینی نیست. شاید ریشه‌یابی این مسئله کار آسانی نباشد؛ ولی باید این واقعیت را بپذیریم و جدّیت به خرج دهیم تا اعمال و رفتارمان را با خواسته‌های دینی و میزان اهتمام دستورات الهی و اولیای دین، هرچه هماهنگ‌تر برنامه‌ریزی و کارسازی کنیم.

۲. طرح نمونه‌ها و مثال‌های فراوان این واقعیت، کار دشواری نیست و به نظر می‌رسد که یکی از موارد مهم آن، بحث «مشورت» باشد. چنان‌که با مطالعه‌ی کتاب حاضر روشن خواهد شد، این بحث، به‌طور جدّی در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته و در ردیف ویژگی‌های بارز مؤمنان قلمداد شده است.

۱. مشورت خواستن، «عین» هدایت است. (نهج البلاغه، ص ۵۰۶، کلمه‌ی قصار (۲۱))

۳. نه تنها تأکید دین، بلکه حکم عقل نیز توصیه به مشورت در امور مهم و تأثیرگذار است. البته در جوامع مختلف و فرهنگ‌های گوناگون، میزان اهتمام به این حکم عقلی متفاوت است؛ ولی به نظر می‌رسد پیچیدگی‌های فراوانی که پیش روی آشنایان با مسائل مهم علمی و عملی قرار گرفته، به‌طور محسوسی بحث تبادل آرا و مشاوره و نظرخواهی از صاحب‌نظران و عُقلا را در میان آنان وسعت بخشیده، که در قسمت‌هایی از این کتاب نیز اشاره‌هایی به این مطلب صورت پذیرفته است.

۴. به همین جهت، از جامعه‌ی ایمانی و خصوصاً از اندیشمندان و فرهیختگان و صاحب‌نظران، انتظار جدّی می‌رود که در توسعه و نهادینه کردن واقعی و جدّی این عمل خدایسندانه و عاقلانه، تلاش فراوان‌تری را معمول دارند و تا آن‌جا که می‌توانند از خودرأیی پرهیز نمایند. این توقع جدّی، وقتی جدّی‌تر و حیاتی‌تر می‌شود که مسئله‌ی مورد نظر، مهم‌تر و اثران گسترده‌تر و بادوام‌تر باشد.

۵. از میان این‌گونه مسائل سرنوشت‌ساز، موضوع «تربیت» ویژگی‌های خاصی دارد که حساسیت آن را دوچندان می‌کند. از جمله‌ی این ویژگی‌ها، در درجه‌ی اوّل، «تأثیرات ماندگار اخروی» و در رتبه‌ی بعد «ظرافت‌ها و ابعاد گوناگون تربیت» و نیز «تفاوت‌های معنادار مخاطبان تربیتی» است. این حساسیت‌ها نیاز به مشورت در امر تربیت را قوّت فراوانی می‌بخشد که در این کتاب تا حدّی به تبیین آن پرداخته شده است.

۶. نوشتار حاضر، مبتنی بر گفتارهایی است که در خصوص جایگاه مشورت در تعلیم

و تربیت، برای جمعی از مرثیان و همکاران فرهنگی بیان گردیده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تدوین نهایی آن به شکل حاضر نیز اگرچه بر غنای برخی جهات بحث افزوده شده، اما تلاش شده تا حال و هوای همان فضا تا حد امکان باقی بماند.

۷. بخش‌های چهارگانه‌ی کتاب پیش رو، این‌گونه سامان یافته است:

♦ طرح مسئله

♦ مشورت در آیات و روایات

♦ مشورت در تربیت

♦ ظرف مناسب برای مشورت

در انتهای کتاب نیز در قالب سه پیوست، برخی از روایات تکمیلی بحث، بیان‌هایی از مرحوم علامه کرباسچیان در باب مشورت و استفتائاتی از برخی مراجع محترم تقلید در این باب گردآوری و در اختیار خوانندگان محترم قرار داده شده است.

۸. امید آن است که با نگاهی دوباره و عبرت‌آموز به جایگاه مشورت، راه و روش و برخورد و عمل ما در زندگی انسانی‌مان، کم‌خطاتر و خداپسندانه‌تر از گذشته ادامه پیدا کند و توفیقمان در انجام وظیفه‌ی خطیر تربیت خود و نسل‌های آینده، چهره‌ی مطلوب‌تری به خود بگیرد.

آمین رب العالمین

علیرضا رحیمیان - دی‌ماه ۹۷





بخش اوّل

طرح مسئلہ

◆ معلّم، مَسندے حسّاس
◆ تعلیم و تربیت، امرے گریزناپذیر
◆ اَیْنِ الْمَفَرِّ؟
◆ مشورت، راہے برائے جبران کاستی‌ها

فروشگاه تخصصی کتب دینی



طرح مسئله

♦ معلم، مسند حساس

اشتغال به کار تعلیم و تربیت، ظرافت‌های ویژه‌ای دارد. البته طبیعتاً هر فنّ و حرفه و شغلی برای خود، مسائل، زوایا و ابعاد مختلفی دارد که بدون توجّه به آن‌ها موفق شدن در آن، مشکل می‌شود. اما در مورد معلّمی، چون سر و کارمان با «انسان» است، پیچیدگی کار خیلی بیش‌تر است.

مثلاً ممکن است در یک کارخانه، افراد، آموزش اولیه‌ای ببینند و با کسب مقداری تجربه بتوانند در هر روز، تعداد زیادی محصول مشابه تولید کنند و در کار خود هم موفق باشند. اگر این را با شغل پزشکی مقایسه کنیم، مطلب تا حدّی روشن‌تر می‌شود. یک پزشک عمومی، با مجموعه‌ای از بیماران مواجه است که هر یک مشکل خاصّ خود را دارند؛ یکی از سردرد ناراحت است، دیگری از دل‌درد می‌نالند و سومی از کمردرد. هر کدام، دقت و توجّه خاصی را می‌طلبند و داروی مربوط به خود را نیاز دارند. تازه، منشأ دردهای مشابه نیز ممکن است متفاوت باشد و با داروی یکسان معالجه نشوند.

این‌جا صحبت از این نیست که صبح اول وقت دستگاهی را روشن و تنظیم کنیم و تا ظهر، مثلاً ۱۰۰ عدد محصول یکسان تحویل بگیریم. دیگر نمی‌توان برای خوب تولید شدن همه‌ی این ۱۰۰ محصول، دو یا پنج پارامتر مشخص را کنترل کرد و با خیال راحت،

منتظر محصولات یکسان و با کیفیت نشست. ماهیت و نوع کار، به گونه ایست که برای رسیدن به محصول خوب و نتیجه ی مطلوب، باید هر مورد را جداگانه مورد دقت و ریزبینی قرار داد و نسخه ی مخصوص آن را تجویز کرد. از این مهم تر، در بسیاری موارد ممکن است پزشک نتواند به طور قطع و با اطمینان، نوع بیماری را تشخیص دهد؛ اگر هم تشخیص دهد، تازه نوبت به تعیین داروی مناسب می رسد که معلوم نیست چندان قطعی و روشن باشد.

پس وقتی ماهیت مسئله از تولید محصولی معین با یک دستگاه خاص خارج شد و به تعامل با یک «موجود زنده» رسید، کار خیلی پیچیده می شود؛ چون هم تعداد عواملی که نقش بازی می کنند بسیار بیش تر می شود و هم عوامل ناشناخته بیش ترند و هم تأثیرها به صورت قطعی قابل پیش بینی نیستند. همین قبیل موارد باعث می شود که کم کم شاخه های علوم پزشکی گسترده شود و هر پزشکی حاضر نباشد در هر زمینه ای نظر دهد. حتی مثلاً گاهی برای ناراحتی چشمان به چشم پزشکی متخصص مراجعه می کنیم، ولی او در عین تخصصش حاضر نمی شود اقدامی کند و می گوید باید به فلان فوق تخصص مراجعه کنید که رشته اش به این بیماری خاص مربوط است! جالب این است که معمولاً متخصصان، بیش تر از بقیه ارجاع می دهند؛ چون آگاه تر و دقیق تر شده اند.

حال اگر در یک شغل، به جای جسم، با «روح انسان» سر و کار داشته باشیم، این حساسیت به مراتب بیش‌تر می‌شود. زیرا از طرفی هر کس ویژگی‌های روحی و شخصیتی خاص خود را دارد و از طرف دیگر عوامل ناشناخته و آزمایش نشده، بسیار بیش‌تر است. معلوم نیست این دانش‌آموز، امروز خاص، با چه وضعیت و شرایطی از خانه بیرون آمده؛ از این‌که شب را خوب خوابیده یا نه و این‌که صبحانه خورده یا نه، تا این‌که آیا در نزدیکانش کسی بیماری سخت دارد یا نه و این‌که آیا خانه برای او محل آرامش است یا صحنه‌ی درگیری‌ها...

از تمام این مسائل مهم‌تر، شعاع اثرگذاری معلم و مربی است. وقتی بستر تأثیر معلم، روح دانش‌آموز باشد، ممکن است اثر کار او تا ابد باقی بماند؛ چون روح، «حیات ابدی» دارد.

وقتی حساسیت و موقعیت خاص کار تعلیم و تربیت - به اجمال و اختصار^۱ - مورد دقت قرار گرفت، کم‌کم این مسئله مطرح می‌شود که چه‌طور می‌توان در این وادی پرغوغا وارد شد و مسئولیت خود را به درستی انجام داد؟ آیا این مقدار مطالعات تربیتی که ما داریم و همین اطلاعات موجود از وضعیت دانش‌آموزان و خانواده‌ها، برای تصمیم‌گیری و اقدام تربیتی کافی است؟ حتی ممکن است با نیت الهی و برای ادای وظیفه‌ی دینی به وادی تعلیم و تربیت قدم گذاشته باشیم؛ اما آیا می‌توانیم آسوده‌خاطر باشیم که وظیفه را درست ادا می‌کنیم؟ مبدا نیت خیری داشته باشیم اما...!

مواظب باشیم سرمان کلاه نرود!

نقل می‌کنند در مسجد گوهرشاد مشهد، واعظی بالای منبر رفت و خطاب به کسبه گفت: «آهای کاسب‌ها! مواظب باشید که زوار امام رضا (ع) سرتان کلاه نگذارند!» یکی

۱. در ادامه‌ی بحث و به مناسبت، بیش‌تر در این باره صحبت خواهیم کرد و ابعاد و زوایای این حساسیت را بیش‌تر متذکر خواهیم شد. ر.ک: بخش سوم، ذیل عنوان «مشورت، کجا لازم‌تر است؟»

از حاضران نتوانست طاقت بیاورد و گفت: «اختیار دارید! آن‌ها نمی‌توانند چنین کاری کنند. باید مواظب باشند ما سرشان کلاه نگذاریم!» آن واعظ محترم گفت: «من هم منظورم همین بود. کسی که سر زوار امام رضا علیه السلام کلاه می‌گذارد، خیلی سرش کلاه می‌رود! شما هم مراقب باشید هنگامی که به آن‌ها جنسی می‌دهید، کم‌فروشی و بدفروشی نکنید، بدجنسی و بدخلقی نکنید...»

شاید این مطلب، در مورد کسبه راحت‌تر به ذهن بنشیند؛ چون با وزن و پیمانه سرو کار دارند؛ جنس خوب و بد دارند و... اما اگر دقت کنیم ممکن است در کار معلمی هم مشابه همین مسائل مطرح شود؛ از دیر به کلاس رفتن و درست درس ندادن بگیریم تا کم گذاشتن در رسیدگی به امور روحی و تربیتی دانش‌آموزان تا وارد شدن در حوزه‌هایی که صلاحیت آن را نداریم و... پس ما هم «باید مواظب باشیم دانش‌آموزان سرمان کلاه نگذارند!» چه بسا ضررهایی که از ندانم‌کاری‌ها یا کم گذاشتن‌های ما معلمان به دانش‌آموزان می‌رسد، از ضرری که آن کاسب به مشتری می‌زند بسیار بیش‌تر باشد. مثلاً او پارچه‌ی نامرغوبی را به جای جنس عالی به مشتری می‌فروشد؛ نتیجه‌اش این است که لباسی که از آن تهیه می‌کند، زودتر از بین می‌رود. اما اگر یک مربی، با عملکرد یا مشاوره‌ی نامناسبش باعث دین‌زدگی شاگردش شود، در حقیقت، ابدیت او را نابود ساخته است. این جاست که انسان یاد سخن مرحوم علامه کرباسچیان^۱ می‌افتد که:

وظایف خویش را کاملاً خداپسندانه و امام‌زمان‌پسندانه انجام دهید و بدانید

۱. مرحوم حاج شیخ علی‌اصغر کرباسچیان (علامه) (۱۲۹۳-۱۳۸۲ ش) پس از طی تحصیلات حوزوی در تهران و قم (۱۳۱۹-۱۳۳۴ ش) و بهره‌بردن از محضر بزرگانی همچون آیه‌الله‌العظمی بروجردی و علامه سید محمدحسین طباطبایی، با هدف تأسیس یک مدرسه‌ی نمونه‌ی مذهبی با رویکردی نوین، به تهران آمد. تدوین رساله‌ی عملیه‌ی فارسی (توضیح المسائل) از کارهای آن‌عالم روشن‌اندیش است. وی با تأثیرپذیری از رهنمودهای استادان برجسته‌ی خود (به‌ویژه مرتبان اخلاقی) و با حمایت تعدادی از روحانیان و بازاریان متدین در سال ۱۳۳۵، دبیرستان علوی را بنیان نهاد و تا پایان عمر، به تربیت دینی فرزندان این آب و خاک همت گماشت. برای آگاهی بیش‌تر درباره‌ی زندگانی و آثار این شخصیت، رک: <http://allamekarbaschian.com>. (مؤسسه‌ی متن)

که حق الناس تربیتی از حق الناس مالی مهم‌تر و بالاتر است. این امانت‌های الهی را که به ما سپرده‌اند باید با درایت و علم و تجربه، هدایت و تربیت کنیم... تا مدیون آن‌ها نشویم.^۱

پس «کلاه گذاشتن سر دانش‌آموزان» که در حقیقت «کلاه رفتن سر معلم» است بحثی جدی است و ممکن است فردای قیامت، شرمندگی به بار آورد. حتی خیلی وقت‌ها دانش‌آموزان، از چیزی غیر از آن‌چه ما خواسته‌ایم رنگ و تأثیر می‌گیرند. مثلاً ما ریاضی درس داده‌ایم، ولی آن‌چه در ذهن آنان مانده، نحوه‌ی برخورد ما با سؤال یک دانش‌آموز بوده است؛ این‌که آیا اگر مطلبی را اشتباه گفته‌ایم و او تذکر داده، پذیرفته‌ایم یا فقط سعی کرده‌ایم به هر شکلی که شده، شأن خود را حفظ کنیم و کاری کنیم که دیگر از این حرف‌ها نزنند و از ما اشکال نگیرند؟! یا مثلاً ما دینی درس داده‌ایم و سعی کرده‌ایم هرچه بیش‌تر، مطالب اعتقادی و اخلاقی به دانش‌آموزان یاد بدهیم؛ اما آن‌چه بیش‌تر بر آنان تأثیر گذاشته، اهمّیت دادن یا خدای ناکرده سهل‌انگاری در به‌موقع به کلاس آمدن و تلف نکردن وقت کلاس بوده است!

یکی از تابلوهایی که همیشه از مرحوم آقای روزبه در جلوی چشم من قرار دارد، دقت ایشان در کم‌نگذاشتن از وقت کلاس و بدهکار نشدن به دانش‌آموزان است. ایشان همیشه به‌موقع در کلاس حاضر می‌شدند؛ اما باز هم آخر سال می‌گفتند که من در مجموع مثلاً یک ساعت به شما بدهکارم، چون گاهی اوقات چند دقیقه دیر رسیده‌ام و جمع آن یک ساعت شده است. ما را در کلاس می‌نشانند و درس می‌دادند! آن روزها ما دوست داشتیم که ایشان به کارهای دیگرشان برسند و ما هم آن یک ساعت را سر کلاس ننشینیم (!) اما الآن بعد از چند دهه که از شاگردی ما در محضرشان می‌گذرد، هنوز این تابلوی «اهمّیت به حق الناس»، مقابل چشم ماست و چه بسا با گذشت زمان، درخشش آن بیش‌تر هم می‌شود.

۱. توصیه‌های استاد؛ بیانات استاد علامه کرباسچیان در جمع مدیران مدارس، ص ۶۲.

حال اگر یک معلم با ظاهری مذهبی غفلت کند و خلاف این کار را انجام دهد و سهل‌انگاری او برای دانش‌آموز به صورت تابلو در آید و باعث شود که او در حق الناس بی‌مبالات شود، تکلیف چیست؟ آیا نباید فکری کرد که تا حد امکان، جلوی این آفات و اثرات سوء گرفته شود؟! آیا ممکن نیست بسیاری از سخنان و اعمال ما بدون این‌که خواسته باشیم یا حتی متوجه شویم اثری نامطلوب بر دانش‌آموزان بگذارد و ما در قبال آن مسئول باشیم؟ از طرف دیگر خیلی کارها و سخنان هست که ممکن است ما متوجه اثر سوء آن نباشیم و وقتی متوجه شویم که کار از کار گذشته است! چه کنیم که این مشکلات را کم کنیم و به پیشمانی مبتلا نشویم؟

تا این‌جا به اختصار، به حساسیت کار معلمی اشاره کردیم. محورهای مورد اشاره را می‌توان به این صورت برشمرد:

۱. معلم با «انسان» سر و کار دارد، نه با جمادات؛ از این رو معلمی، پیچیدگی خاص خود را دارد.

۲. این کار در بسیاری موارد با «روان» و «روح» انسان مرتبط است و هر فرد روحیات خاص خود را دارد؛ بنابراین نمی‌توان «قالبی» و یکسان با همه برخورد کرد.

۳. عوامل تأثیرگذار بر روح و روان، بسیار زیاد است که خیلی از آن‌ها برای مربی معلوم نیست.

۴. بسیاری از تأثیرهای مربی ممکن است ناخودآگاه باشد.

۵. اثر کار معلم ممکن است مشهود نباشد یا در دراز مدت ظاهر شود؛ از این رو همواره قابل ارزیابی لحظه‌ای نیست.

۶. چون روح، حیات ابدی دارد، تأثیری که معلم بر دانش‌آموز می‌گذارد، می‌تواند تا ابد با او همراه باشد.

◆ تعلیم و تربیت، امره گریزناپذیر

کار که به این جا می‌رسد، ممکن است انسان متدین و مقید تصور کند که بهتر است اساساً وارد کار تربیتی نشود! شغلی را برگزیند که این همه گرفتاری نداشته باشد؛ زوایایش روشن‌تر و اثر کارش مشهودتر بوده و ضررش هم حداکثر در مادّیات باشد؛ نه در معنویات. چرا دست به کاری بزند که هم خود را گرفتار کند و هم دیگران را؟!

اما به نظر می‌رسد پاک کردن صورت مسئله، به این سادگی هم نیست! وقتی دقت کنیم می‌بینیم که اقدام به تعلیم و تربیت، از زوایای مختلف، کاری ضروری است و نمی‌توان به راحتی از آن شانه خالی کرد. کسی که در جامعه‌ی شیعه زندگی می‌کند و می‌بیند که در اطرافش، انواع مشکلات اعتقادی، اخلاقی و عملی وجود دارد و تلاش‌هایی که صورت می‌گیرد نیز برای اصلاح شرایط کافی نیست، نمی‌تواند از پای بنشیند؛ حتی اگر خودش در معرض خطر نباشد:

که مرد ارچه بر ساحل است ای رفیق

نیاساید و دوستانش غریق

در فرهنگ دینی، بی تفاوتی نسبت به انحرافات و منکرات، مردود است؛ حتی اگر فرد نتواند تغییری در اوضاع بدهد و جلوی منکر را بگیرد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند:

يَأْتِي زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ. قِيلَ: بِمَ ذَلِكَ؟
قَالَ: مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ لَا يَسْتَطِيعُ تَغْيِيرَهُ.^۱

زمانی خواهد آمد که در آن، قلب مؤمن آب می‌شود؛ آن گونه که نمک در آب حل می‌شود. پرسیدند: چرا چنین می‌شود؟ فرمودند: به خاطر آن چه از منکر می‌بیند و نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

۱. مجموعه‌ی وزام، ج ۲، ص ۳۲. نیز رک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۴؛ امالی طوسی، ص ۵۱۸.